در تعقیب کارآمدی؛ تعدد عقلانیت‌ها، تکثر شاخص‌ها

ایران عزیز به برکت ظهور انقلاب اسلامی فرصتی یافت تا با اتکا به تراث حکومت‌پژوهانش چون شیخ‌الرییس، خواجه نصیر، خواجه‌نظام و مانند آن، عمل متراکم و تأملات سازمان‌یافته‌ای را در ارتباط با معارف حکومتی و به تعبیر امروزینش، دانش حکمرانی یا آیین کشورداری داشته باشد. «کشورداری» عبارت است از علم، هنر و صناعت پیوند حکمرانی ملی، اداره امور عمومی و فعالیت عملیاتی کشور در همه ساحت‌ها به منظور تحقق اهداف عالیه مصرح در قانون اساسی. «حکمرانی» عبارت است از راهبری، هدایت و نظارت بر مسیر کلی کشور به سمت اهداف مصرح در قانون اساسی. اداره امور عمومی



حسین بابایی مجرد

عضو هیئت علمی پژوهشگاه
فرهنگ و اندیشه اسلامی

به تدوین راهبردهایی برای اجرای منویات حکمرانی مبادرت می‌کند و نهایتاً عملیات روزمره در کلیه سطوح جامعه است؛ و هدف حکمرانی، قوام‌بخشی به همین عملیات روزمره مادی و معنوی در سراسر جامعه است.[1] صفت کارآمدی -که می‌تواند وصف بسیاری از مفاهیم مندرج در تعریف فوق از کشورداری همچون حکمرانی، اداره امور عمومی، راهبری و هدایت، نظارت و عملیات شود- ناظر بر مؤلفه مشترک تمام آن مفاهیم یعنی «عمل یا کنش» است. کنش را وبر به رفتار معنادار تعریف کرده است[2] و احیاناً رابطه معنایی کارآمدی، نه با کالبد و شکل رفتار، که با معنایی است که کنش‌گر در قالب رفتار، سعی در افاده آن به مخاطبینش دارد. حال اگر مفهوم کنش‌گری را از کنش فردی به کنش حکومتی توسعه دهیم، باید در جستجوی کارآمدی، به دنبال فهم معانی، منویات و مقاصد حکومت در فرم خط‌مشی که مشتمل بر اقدام (Action) و انفعال (Inaction) است و آثاری که بر جوامع هدفش می‌گذارد، باشیم. یعنی مقاصد نظامات حکمرانی را می‌توان از خطوط‌مشی اِعمالی‌اش شناخت و کارآمدی‌اش را نیز می‌توان

اقتضای عقلانیت فنی، حرکت در جهت مدیریتی ـ اقتصادی کارآمدی است؛ به این صورت‌که عقل فنی، همواره خود را محاط در سطح اکولوژیک می‌بیند، عملی بودن را به عنوان مبنای انتخاب هدف می‌پذیرد و برای تحقق هدف، برنامه‌ریزی می‌کند. در مقابل، عقل حق‌مدار، خود را به محدودیت‌های بوم‌شناختی، محصور نکرده و خزائن آسمان و زمین را از آن خدا می‌داند.

۱- دانایی‌فرد، ۱۳۹۹
۲- وبر، ۱۳۷۴

از کیفیت اثرش بر جوامع هدف فهم کرد. حال سؤال این است که کارآمدی کنش حکومت، نه در این معنای عرفی، که از رهگذر علوم و عقلانیت مندرج در علوم، دقیقاً چیست؟

کارآمدیِ یک کنش، به «بهره‌وری» یعنی جمع کارایی (کمینه‌سازی هزینه‌ها) و اثربخشی (بیشینه‌سازی تحقق اهداف)، «حفظ تعادل سیستم» (مدل سیستمی)، «رضایت‌بخشی» (تأمین رضایت مردم)، «حفظ ارزش‌های رقابتی»[۳]، «نتیجه‌بخشی» (بیشینه‌سازی میزان تغییر رفتار اجتماعی) و یا «درست و یا معقول بودن عمل ارادی» (اتصال به سعادت)[۴] تعریف شده است. هرکدام از تعاریف فوق، مستفاد از منظر و سوژه‌ای است و حاکی از عقلانیتی خاص. بهره‌وری، بر عقلانیت مدیریتی تأکید دارد. رضایت‌بخشی و حفظ ارزش‌های اجتماعی، به عقلانیت فرهنگی اشعار دارند. حفظ تعادل سیستم، ارجاع بر عقلانیت فنی دارد. نتیجه‌بخشی، بر عقلانیت اجتماعی استوار است و معقولیت و درست بودن عمل ارادی(عمل صالح) نیز بر عقلانیت دینی و حق‌مدار ابتنا دارد؛ چون آنجا که حضرت علی (ع) در بیان صفات متقین فرمود: «و تخلي من الهموم الا هما واحدا انفرد»[۵]؛ همت متقین خالی از تمام هموم است، مگر اهتمام به ریشه خود و دین خدا. اقتضای عقلانیت فنی، حرکت در جهت مدیریتی ـ اقتصادی کارآمدی است؛ به این‌صورت‌که

اگر نظام حکمرانی بخواهد تمام اهتمام خود را بر کارآمدی بگذارد و در حفظ ارزش‌های اساسی چون عدالت، غفلت یا تغافل کند خطا کرده است.

۳- رابینز، ۱۴۰۳
۴- لاریجانی، ۱۳۷۳
۵- خطبه ۸۷ نهج‌البلاغه

عقل فنی، همواره خود را محاط در سطح اکولوژیک می‌بیند، عملی بودن را به عنوان مبنای انتخاب هدف می‌پذیرد و برای تحقق هدف، برنامه‌ریزی می‌کند. در مقابل، عقل حق‌مدار، خود را به محدودیت‌های بوم‌شناختی، محصور نکرده و خزائن آسمان و زمین را از آن خدا می‌داند.[۶]

انواع عقلانیت	عقلانیت مدیریتی	عقلانیت فنی	عقلانیت اجتماعی	عقلانیت فرهنگی	عقلانیت دینی و حق‌مدار
شاخص کارآمدی	بهره‌وری	تعادل سیستمی	نتیجه‌بخشی در تغییر رفتار اجتماعی	حفظ ارزش‌های رقابتی حفظ رضایت مردم	عمل صالح

توجه به همه شئون عقلانیت و متعاقباً همه شاخص‌های کارآمدی ضرورت دارد؛ اما لازم است توزین و توزیع مناسبی در اعمال حکمرانی در نسبت با این موارد وجود داشته باشد. اگر نظام حکمرانی بخواهد تمام اهتمام خود را بر کارآمدی بگذارد و در حفظ ارزش‌های اساسی چون عدالت، غفلت یا تغافل کند خطا کرده است؛ همچنانکه اگر تغییر رفتار اجتماعی را با اشکال مختلف سیاست‌های رفتارگرایانه و یا با اتکا بر تلنگرهای شناختی دنبال کند، از اهداف و غایات مهم دینی چون «کنش بصیرانه» دور خواهد شد؛ آنچنانکه فرمود «قل هذه سبیلي أدعُوا إلی اللهِ عَلی بَصیرَةٍ أنا و مَن اِتَّبَعَني».[۷] اگر به بهانه ترس از برهم‌خوردن تعادل اجتماعی، از رفتارهای مصلحانه حق‌مدارانه بگریزد نیز، دچار خطای محاسباتی شده است. توازن این شئونِ کارآمدی و صورت‌بندی شبکه‌ای آن‌ها، زیر چتر عقلانیتِ حق‌مدار، اصلی‌ترین وظیفه نظام حکمرانی برای تضمین کارآمدی خود است.

۶- سوره منافقون، آیه ۷
۷- سوره یوسف، آیه ۱۰۸